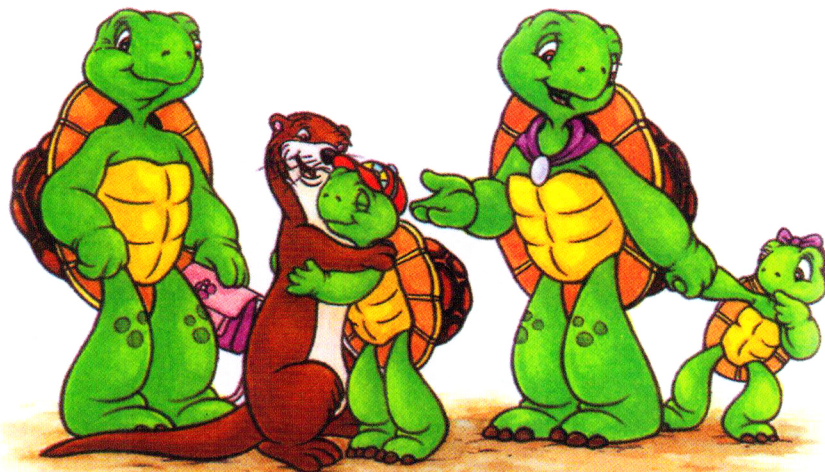


فرانکلین دوستش را می بیند

بر اساس شخصیت‌های خلق شده توسط پالت بورژوا و برندا کلارک



فرانکلین و سمورآبی به بیرون از خانه رفتند تا بازی کنند.
سمورآبی پرسید: «هنوز هم به برکه می‌روی؟»
فرانکلین گفت: «البته که می‌روم. بیا همین حالا به آن جا برویم.
همه‌ی دوستان آن جا هستند.»
فرانکلین درست می‌گفت. وقتی آن‌ها به برکه رسیدند تمام بچه‌ها
آن جا بودند و از دیدن سمورآبی خیلی خوش حال شدند. سگ آبی
می‌خواست بداند سمورآبی در مسابقات شنا چند مدال گرفته است.
فرانکلین پیشنهاد کرد آن‌ها مثل گذشته با یکدیگر مسابقه بدهند.
سگ آبی به فرانکلین گفت: «سمورآبی حالا یک شناگر ماهر است.»

